

پنجاه سال کودتا در شیلی: پایان یک توهم / مایک گونزالس / کاووس بهزادی

پیروزی سالوادور آلندهی مارکسیست در انتخابات 1970 ریاست جمهوری شیلی امیدهای زیادی را برانگیخت که اما سه سال بعد با حمام خون به پایان رسید.

11 سپتامبر 1973 در ساعت 45:8 صبح هواپیماهای نیروی هوایی کاخ ریاست جمهوری موندا در سانتیاگو شیلی را بمباران کردند. سالوادور آلنده رئیس جمهور منتخب، آخرین پیام رادیویی خود را از اطاقی در اقامتگاهش ارسال کرد و مدتی بعد در زیر آوار ساختمان جان باخت.

کودتاهای نظامی از این دست در آمریکای لاتین امری غیرمنتظره نبودند و معمولاً اعتراضات بسیار محدودی بر علیه آنها در خارج از کشور برگزار می‌شد. با این وجود کودتا در شیلی منجر به تظاهرات گسترده در سراسر جهان و به یکی از موضوع اصلی مباحث سیاسی بدل شد. در نخستین سال‌های 1970 شیلی تحت رهبری آلنده برای بسیاری از چپ‌ها نماد امید یک مسیر مسالمت‌آمیز برای برقراری سوسیالیسم بود. کودتا این امید را زیر آوار موندا دفن کرد.

### نقطه‌ی عطف پس از 1968

انتخابات ریاست جمهوری 1970 منعکس‌کننده‌ی دگرگونی بود که پس از 1968 همه‌جا در جریان بود. کلان زمین‌داران، سرمایه‌های مالی و صنعتی به‌طور فزاینده‌ای احساس خطر می‌کردند. در سرتاسر آمریکای لاتین دولت‌ها وعده‌ی اصلاحات و نوسازی را دادند تا از تکرار انقلاب کوبا در سال 1959 جلوگیری کنند.

در شیلی مانند هر جای دیگری، زمین‌داران قدرت‌مند در هر جبهه‌ای در برابر اصلاحات ارضی مقاومت می‌کردند. خانواده‌های دققانان و کارگران بدون زمین که از انتظار برای اجرای این اصلاحات خسته شده بودند، شروع به اشغال زمین‌های بلااستفاده کردند.

### مهاجرت از روستا و اعتصابات

علاوه بر این رشد اقتصادی در سال‌های 1960 بسیاری از مردم را روانه شهرها کرد. آن‌ها در درجه‌ی نخست در سانتیاگو پایتخت شیلی به‌دنبال کار بودند. هیچ محل سکونتی برای آن‌ها وجود نداشت. به‌همین دلیل آن‌ها برای ساختن خانه‌های موقتی زمین‌های بایر را اشغال کردند و به این ترتیب محله‌های فقیرنشین شکل گرفتند. راهپیمایی دانشجویان از سراسر کشور به پایتخت در سال 1969 بیان روشن فضای تغییر یافته بود.

در همین بستر فعالیت طبقه‌ی کارگر نیز رشد و گسترش پیدا کرد. بحران اقتصادی و ناامیدی از دولت دمکرات مسیحی منجر به افزایش بیش‌ازپیش شمار اعتصابات بین سال‌های 1969 و 1970 شد. شیلی دارای سنت طولانی اتحادیه‌ای و تاریخچه‌ی سازمان‌ها و تشکیلات‌های سوسیالیستی بود.

## سوسیالیسم در شیلی

در این شرایط انتخابات ریاست جمهوری در سال 1970 برگزار شد. سالوادور آلنده به‌عنوان نامزد ائتلافی به نام اتحاد مردمی وارد کارزار انتخابات شد. این ائتلاف از حزب سوسیالیست، حزب کمونیست و دیگر احزاب کوچک تشکیل شده بود. آلنده برای چهارمین بار نامزد انتخابات شد. رابرت ماس که در واقع نویسنده‌ی نوشته‌های مارگارت تاچر نخست وزیر بریتانیا بود، پیروزی آلنده را «زلزله‌ای کوچک» نامید. آلنده در انتخابات فقط 36 درصد آراء را به‌دست آورد. نکته‌ی قابل‌توجه و مهم این بود که او اعلام کرد که مارکسیست است و خود را به‌عنوان مدافع «راه شیلی برای ساختن سوسیالیسم» معرفی می‌کرد. این «راه» از تبعات این باور بود که دولت فرای جامعه قرار دارد و نهادهای آن - قضات، ارتش، دادگاه‌ها، مجلس تحت کنترل طبقه‌ی حاکم نیستند. آلنده بیش‌ازپیش معتقد بود که احزاب و طبقات دیگر به نتایج انتخابات احترام خواهند گذاشت. درک او از سوسیالیسم رفرم جامعه از بالا، از طریق نهادهای دولت سرمایه‌داری با موافقت تمام طبقات از این رفرم بود.

## راه از طریق پارلمان

آلنده در نخستین سخنرانی خود در مجلس پس از آغاز به کار در سال 1971 گفت: «شیلی بر ضرورت راهی نوین برای ساختن یک جامعه‌ی سوسیالیستی آگاه است - راه انقلابی خودمان، راهی کثرت‌گرا ... شیلی امروز نخستین ملت روی زمین است که وظیفه‌اش متحقق کردن این مدل دوم یعنی چرخش و دگرگونی به جامعه‌ی سوسیالیستی است ... شکاکان و ساحران فاجعه می‌گویند مجلسی که به این خوبی به طبقه‌ی حاکم خدمت کرده است، قادر به تبدیل خود به مجلس مردم شیلی نیست. آن‌ها همچنین گفتند که نیروهای مسلح و پلیس ملی ... از اراده‌ی مردم در تصمیم خود برای برقراری سوسیالیسم در کشور ما حمایت نخواهند کرد. این افراد آگاهی میهن‌پرستانه نیروهای مسلح و پلیس ملی، حرفه‌ای بودن و اطاعت آن‌ها را از حکومت مدنی نادیده می‌گیرند».

این درک و ایده از رفرم توضیح‌دهنده‌ی اهمیت «راه شیلی» در آن زمان است. در سراسر جهان احزاب کمونیست و سوسیالیست در ائتلاف‌های انتخاباتی گسترده از ساختن سوسیالیسم از طریق پارلمان حمایت می‌کردند. آن‌ها ادعا می‌کردند که دگرگونی و تغییر اجتماعی بدون تنش امکان‌پذیر است و شیلی برای‌شان گواه این مساله بود که یک مارکسیست می‌تواند از طریق صندوق رأی به قدرت برسد.

## دولتی‌سازی و اصلاحات ارضی

برای آلنده و متحدانش «قدرت» به‌معنای اتخاذ موقعیت کلیدی در ماشین دولت بود که بنا به‌تعریف آن‌ها نهادی بی‌طرف بود. نخستین اقدام آلنده دولتی کردن صنعت مس بود که بخش اعظم درآمد صادرات شیلی را به‌خود اختصاص داده بود. برنامه‌ی اقتصادی آلنده بر مبنای افزایش دست‌مزدها در سراسر کشور بود تا از این طریق با تقویت مصرف، کل اقتصاد را به حرکت درآورد. اگرچه نه به ابعادی که در ابتدا اعلام شده بود، شماری از شرکت‌ها از جمله کارخانه‌ها و بانک‌های خارجی دولتی شدند. آلنده وعده داد که

اصلاحات ارضی فلج شده را به مرحله‌ی اجرا درآورد. هم‌هنگام او پراخت غرامت سخاوت‌مندان‌های را به زمینداران تصویب کرد. او تاکید کرد که همه‌چیز باید از طریق دادگاه‌ها انجام شود.

### **ابتکارات از پائین**

آلنده اشغال خودانگیخته‌ی زمین‌ها را محکوم کرد. با این‌حال بیش‌ازپیش ابتکارات از پائین شکل گرفتند که نشان‌دهنده‌ی تفسیر دیگری از «قدرت» بود. وقتی مالکان زمین‌ها تلاش کردند که کارگران را مجبور به ترک زمین‌هایی کنند که آن‌ها اشغال کرده بودند با مقاومت توده‌ها مواجه شدند. هنگامی که مغازمداران قیمت‌ها را برای کالاهای احتکار شده افزایش دادند یا تصمیم به فروش آن‌ها در بازار سیاه گرفتند، کمیته‌های توزیع در محلات مغازه‌ها را باز کردند و کالاها را براساس اولویت و نیاز به آن‌ها توزیع کردند.

هنگامی که برخی از صاحبان کارخانه‌ها سعی کردند که تولید را کاهش دهند یا ماشین‌آلات را به خارج از کارخانه‌ها منتقل کنند، سازمان‌های کارگری توانستند از اقدامات آن‌ها جلوگیری کنند. سال 1971 نقطه‌ی عطف شمار اعتصابات بود. کارگران ابتکار عمل پیرامون دست‌مزد و شرایط کاری و حتی در برخی از کارخانه‌ها کنترل تولید را به‌دست گرفتند.

### **درخواست به خویشن‌داری**

انتخابات محلی در اواسط 1971 نشان‌دهنده‌ی حمایت فزاینده‌ی از پروژه‌ی اتحاد مردمی بود. اما آلنده با توجه به حملات فزاینده‌ی طبقه‌ی حاکم خواستار خویشن‌داری شد. در نوامبر 1971 زنان اقشار بالا و متوسط (و خدمت‌کاران آن‌ها) به خیابان آمدند. آن‌ها برای محکوم کردن کمبود مواد غذایی دیگرهای خالی پخت‌وپز را به‌دست گرفته بودند. اما قفسه‌های خالی مغازها که مورد اعتراض‌شان بود در واقع ناشی از احتکار و بازار سیاه طبقه‌ی خود آن‌ها بود. این اعتراض نشان‌دهنده‌ی کسب تدریجی اعتماد به نفس طبقه‌ی حاکم بود. پاسخ آلنده به طبقه‌ی متوسط متزلزل و هراسان، تضمین منافع این طبقه بود.

### **حمله به چپ‌ها**

کنگره که دمکرات مسیحی‌ها در آن از اکثریت آراء برخوردار بودند، خوزه توها وزیر کشور را در ژانویه‌ی 1972 از کار برکنار کردند. در همان ماه حزب سوسیالیست علنا به چپ‌ها به‌دلیل بی‌صبری‌شان حمله کرد. چهار ماه بعد شهردار کمونیست کنسپسیون فرمان تیراندازی به یک تظاهرات را صادر کرد. در ماه ژوئن وزیر اقتصاد برکنار شد که طرفدار گسترش دولتی‌سازی بود. در همین سال استراتژی اتحاد مردمی در دو کنگره به‌تصویب رسید که در درجه‌ی نخست بیش‌تر از تحکیم دست‌آوردها حمایت می‌کرد تا تعمیق و گسترش آن‌ها. هم‌هنگام حملات به چپ‌ها به‌ویژه «جنبش چپ انقلابی» به‌شدت افزایش پیدا کرد.

### **تدارک برای سرنگونی**

اکنون دیگر عمل کردن و عده‌ها پیرامون تغییرات بستگی به طبقه‌ی کارگر داشت که هنوز بر این باور بود که اتحاد مردمی موافق عملی کردن آن‌ها است. مرزهای «راه شیلی برای برقراری سوسیالیسم» همچون دیگر استراتژی‌های پارلماناریستی توسط طبقه‌ی حاکم مشخص شد.

اگرچه کاملاً روشن بود که راست‌ها در حال تدارک برای سرنگونی دولت هستند، آئنده‌ی این امر را با میل پرداخت. علیرغم موج ترور در پایان سال 1970، سال بعد از آن همراه با آرامش نسبی بود اما سال 1972 نقطه‌ی پایان این آرامش بود. با این وجود آئنده‌ی بسیج همگانی از پایین را نه به‌عنوان تنها تکیه‌گاه و پشتیبانش بلکه تهدیدی برای دولت خود محسوب می‌کرد.

### دمکراسی کارگری در شیلی

در ماه ژوئیه در کونسپسیون، یک مرکز تجاری برای محصولات کشاورزی، نمایندگان احزاب چپ و سازمان‌های توده‌هایی برای بحث پیرامون یک استراتژی مستقل گردهم آمدند. مهم‌تر از همه شکل‌گیری نخستین شورا (CORDON) نشان‌دهنده‌ی اهمیت واقعی دمکراسی کارگری بود. شورایی متشکل از کارگران کارخانه‌ها، کارگران کشاورزی، سازمان‌های محلی مردمی و کمیته‌های توزیع تشکیل شد که می‌بایست کنترل مستقیم پیرامون امور محلی، توزیع و در برخی موارد حتی بر تولید را اعمال کند.

همان‌طور که شوراها در سال 1917 پایه‌ی قدرت کارگران در روسیه بودند، شوراها (CORDON) در شیلی از پایین – بدون توجه به خصومت دولت به آن‌ها شکل گرفتند. در ماه آگوست پلیس با موافقت دولت به یکی از کمیته‌های محلی در سانتیاگو حمله کرد. ترس دولت از دست‌دادن حمایت طبقات متوسط همیشه و هر بار در سلسله درگیری‌های پس از آن آشکار می‌شد. این مبارزه به‌وضوح وارد مرحله‌ی جدیدی شد.

### خرابکاری توسط شرکت‌ها

شرکت‌ها به بارزترین وجهی در ماه اکتبر دست به خرابکاری زدند. در این ماه صاحبان شرکت‌های ترابری و حمل‌ونقل، شرکت‌های‌شان را به اعتصاب کشاندند. شیلی برای حمل‌ونقل و تأمین کالاها وابسته به کامیون‌ها و اتوبوس‌ها بوده و هست. رهبران اعتصاب متعلق و تحت‌تأثیر فاشیست‌ها و تشکیلات وابسته به آن‌ها (سرزمین پدری و آزادی) بودند که ریشه در پایین‌ترین قشر طبقه‌ی متوسط داشتند. اما شرکت‌های بزرگ حمل‌ونقل شیلی متعلق به تجار با منافع دیگر بود. این اعتصاب اعلام جنگ از سوی طبقه‌ی حاکم بود و طبقه‌ی کارگر بلافاصله به آن واکنش نشان داد. کامیون‌ها دوباره به جاده‌ها بازگردانده شدند. مغازه‌هایی که بسته شده بودند، به‌زور باز شدند و کالاها به‌طور دمکراتیک توزیع شدند. صاحبان کارخانه‌ها که تلاش می‌کردند، تولید را متوقف کنند از کارخانه‌ها بیرون انداخته شدند و کارخانه‌ها به‌کار ادامه دادند. روزنامه‌ها و ایستگاه‌های رادیویی که توسط صاحبان‌شان بسته شده بودند، تحت کنترل کارکنان آن‌ها دوباره آغاز به‌کار کردند. این مبارزه از طریق طبقه‌ی کارگر به پیروزی رسید زیرا به‌طور مستقل عمل می‌کرد.

### دو قدرت

دولت بین نیروی بسیج شده طبقه‌ی حاکم و واکنش طبقه‌ی کارگر به آن قدرت عمل خود را دست داده و فلج شده بود و نگرانی اصلی آئنده دوباره به‌دست گرفتن کنترل بود. او دولت بورژوازی را برای حمایت از خودش و بر علیه طبقه‌ی کارگر بسیج کرد و برای ایجاد نظم ژنرال‌ها را وارد کابینه دولت کرد.

بین اکتبر 1972 و ژوئیه 1973 دو قدرت در شیلی در مقابل یکدیگر قرار داشتند: از یک سو دولت - ائتلاف اتحاد مردمی که احزاب کمونیست و سوسیالیست بر آن مسلط بودند و بیش‌از‌پیش به متحدان خود در طبقه‌ی حاکم وابسته شده بود، به‌ویژه به ارتش. از سوی دیگر سازمان‌های جدید شکل‌گرفته که نتیجه‌ی خود فعالیت، مبارزه و به‌دنبال یک استراتژی جدید بودند که از یک خطر روشن و سوسیالیستی پیروی کند. این امر وظیفه‌ی انقلابیون بود که در عین حال به‌معنای قطع رابطه‌ی قاطع با فرمیست‌ها و رامکارهای قانونی آن‌ها بود.

### **عدم تمایل به گسست**

در این لحظه‌ی کلیدی وظیفه‌ی سیاسی کاملاً روشن بود. جناح راست دستش به‌خود آغشته شده بود و دولت به‌طور فزاینده‌ای برای جبران بی‌ثباتی‌اش به جنبش توده‌ای حمله می‌کرد. در ماه اکتبر تعدادی از کارخانه‌ها برای جلوگیری از متوقف کردن تولید توسط صاحبان آن‌ها اشغال شده بودند. دولت از کارگران خواست که کارخانه‌ها را به صاحبان‌شان تحویل دهند که با مقاومت قابل‌توجه‌ای روبرو شد.

از میان احزاب ائتلاف اتحاد مردمی فقط حزب چپ‌گرای مسیحی به حضور ارتشیان در کابینه اعتراض کرد و در فوریه 1973 وزیر اقتصاد که یک کمونیست بود پیشنهاد کاهش بخش‌های اقتصادی دولتی‌شده و تحویل کارخانه‌های اشغال شده را به صاحبان‌شان داد.

### **تنش‌ها در میان چپ‌ها**

با وجود این احزاب چپ هنوز مشغول بحث و مجادله با یکدیگر بودند و از دست زدن به اقدامات جدی تردید داشتند. یک کمیته‌ی هماهنگی برای شوراهای تشکیل شد که عمدتاً رهبری آن در دست اعضای حزب سوسیالیست بود؛ این شوراهای نهاد اراده از پایین بودند. اما دیگر سازمان‌های چپ نظیر «جنبش چپ انقلابی» در رقابت فرقه‌ای دست به تشکیل نهادهای موازی زدند.

رهبران کمیته‌ی هماهنگی شوراهای حزب سوسیالیست باقی ماندند و اعلام کردند که در حال تغییر از پایین هستند. در واقع نیز «جنبش چپ انقلابی» در انتخابات مجلس ماه مارس از نامزدهای حزب سوسیالیست حمایت کرد که هنوز در ائتلاف اتحاد مردمی بودند، ائتلاف اتحاد مردمی در انتخابات پیروز شد. و شمار کارگرانی که در این انتخابات به این ائتلاف رأی دادند بیش‌از‌پیش افزایش پیدا کرده بود، اما این ائتلاف از اعتماد کارگران برای حملات بعدی به چپ‌ها در ماه آوریل استفاده کرد.

## اشکال جدید سازمان‌یابی

همه‌جا اشکال جدیدی از سازمان‌یابی و اعمال قدرت ایجاد شدند. یک همایش عمومی خودانگیخته برای چند روز در ویلا کنستسیون تشکیل جلسه داد. همه‌ی این اتفاقات در ارتباط با بحران اقتصادی عمیق انجام گرفتند. تحریم اقتصادی بر علیه صادرات شیلی، فقدان سرمایه‌گذاری خارجی و فرار سرمایه‌ی داخلی این بحران را تشدید کردند. پاتریسیو الوین رهبر جدید حزب دمکرات مسیحی و رئیس جمهور بعدی شیلی علناً از «سیاست زمین سوخته» [یک استراتژی نظامی به‌معنای از بین بردن تمامی منابع در دسترس نیروی دشمن است. ت. م] به بیان دیگر تضعیف دولت با ابزارهای سیاسی و اقتصادی حمایت کرد. حضور و ضرب و شتم توسط چماق‌داران گروه‌های راست بیش‌ازپیش افزایش پیدا کرد. در 29 ژوئن تلاش برای کودتا توسط یک واحد نظامی به‌سرعت سرکوب شد اما این تلاش آشکارا تمرینی برای اقدامات نظامی بعدی بود.

## آلنده بر علیه اعتصاب‌کنندگان

با این‌حال دولت هنوز طبقه‌ی کارگر را به‌عنوان تهدید جدی بر علیه موجودیت خود محسوب می‌کرد. آلنده کارگران معدن مس در آل تنته قوی‌ترین و مبارزترین اتحادیه در کشور را به باد انتقاد گرفت و از آن‌ها خواست که دست‌مزد کمتر از نرخ تعیین شده در تعرفه‌ی حقوقی را بپذیرند. آن‌ها از پذیرش این درخواست خودداری کردند و دست به اعتصاب زدند، تمام سازمان‌های چپ کارگران را واپس‌گرا نامیدند. راست‌ها از موقعیت سواستفاده و از اعتصاب‌کنندگان حمایت کردند. کارگران معدن فقط برای سطح زندگی بهتر و حقوق خود در برابر دولتی که نماینده آن‌ها نبود، دست به اعتصاب زده بودند. در چنین شرایطی آن‌ها سزوار حمایت واقعی چپ‌ها بودند. در عوض هنگامی که آن‌ها به‌سمت سانتیاگو حرکت کردند و با بستن خیابان‌ها توسط نیروهای نظامی مواجه شدند، چپ‌ها دست به هیچ اقدامی نزدند و سکوت کردند.

## ارتشی‌ها در کابینه

پایان کار چندان غیرمنتظره نبود. شرکت‌های حمل‌ونقل و کارفرمایان خواستار «اعتصاب نامحدود برای سرنگونی دولت» شدند. طبقه‌ی کارگر دوباره بر علیه این اعتصاب وارد عمل شد و دوباره رهبران‌شان آن‌ها را به‌دلیل تلاش برای ایجاد سازمان‌های «موازی» محکوم کردند. «جنبش چپ انقلابی» در ماه ژوئیه از یک طرف فراخوان به قیام مسلحانه داد و از طرف دیگر درست یک یا دو هفته بعد پیرامون اقدام مستقل سازمان‌های «سنتی» هشدار داد.

در اوائل ماه آگوست آلنده نظامیان دیگری را وارد کابینه کرد، در حالی که سوسیالیست‌ها و فعالین اتحادیه‌های کارگری در سراسر کشور دستگیر می‌شدند. هنگامی که سوسیالیست‌ها در نیروی دریایی و هوایی علناً هشدار دادند که ارتش در حال تدارک برای کودتا است، آلنده از وطن‌پرستی آن‌ها تقدیر کرد و در عین حال آن‌ها را به دادگاه‌های نظامی تحویل داد. برخی از سازمان‌های چپ برای سربازان ساده ارتش پیام فرستادند. با این‌حال ایجاد شکاف بین صفوف ارتش فقط در صورت موجودیت داشتن یک سازمان کارگری مستقل و قوی امکان‌پذیر بود که آماده‌ی به‌دست گرفتن قدرت و درهم‌شکستن دولت باشد.

## جو شکست

هنگامی که ارتش در 11 سپتامبر دست به کودتا زد، هیچ کسی از این امر تعجب نکرد. یک یا دو روز قبل از کودتا حزب کمونیست پوسترهای را منتشر کرده بود: «نه به خشونت از چپ و راست». هنگامی که ارتش قدرت را به دست گرفت از اعضای حزب خواسته شد که به خانه‌هایشان بازگردند و «منتظر دستورالعمل‌های بعدی باشند». دستورالعمل دیگری در کار نبود. جو شکست بر آخرین تظاهرات پیش از کودتا به مناسبت پیروزی آینده در انتخاب سه سال قبل حاکم بود. مبارزه دیگر شکست خورده بود.

## اعتماد به نفس طبقه‌ی حاکم

موقعیت انقلابی منتظر تصمیمات انقلابیون نمی‌ماند. کفهی ترازو به سمت طبقه‌ای متمایل می‌شود که بیش از همه برای به دست گرفتن قدرت مصمم است. در شیلی طبقه‌ی حاکم با اعتماد به نفس برای دفاع از منافع خود و با وجود آگاهی از خطر مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر بر علیه آن‌ها و همچنین خلع سلاح رهبری‌شان اقدام می‌کرد.

## ترور هدفمند

تا قبل از کودتا شیلی در مقایسه با دیگر کشورهای آمریکای لاتین نسبتاً با ثبات به نظر می‌رسید و طبقه‌ی حاکم آن بیش از پیش یا غیرمتعارف ددمنش نبود اما بعد از کودتا این کشور به معنای واقعی به حمام خون بدل شد. رژیم نظامی هزاران نفر را به قتل رساند، ده‌ها هزار نفر را شکنجه، زندانی و تبعید کرد.

سرکوب به‌طور قابل‌توجهی عمدتاً متوجه فعالین بدنه، و رهبران واقعی گروه‌های مبارز موج کارگران بود. آن‌ها تهدید واقعی برای طبقه‌ی حاکم بودند، بسیار بیش‌تر از بوروکرات‌ها و رهبران سیاسی که در نهایت اثبات کردند که ترجیح می‌دهند، سازش کنند تا این‌که به وعده‌های خود به کسانی که آن‌ها را به قدرت رسانده بودند، عمل کنند.

طبقه‌ی حاکم شیلی همچون هر طبقه‌ی حاکم دیگری که شبح قدرت کارگران را مشاهده کرده است، واکنش نشان داد. طبقه‌ی حاکم به دنبال آن بود که به‌طور سیستماتیک نه فقط تمام کسانی را که قتل برساند که مبارزه‌ی او به رشد طبقه‌ی کارگر شیلی را رهبری کرده بودند بلکه تجارب کسب شده‌ی آن‌ها را نیز نابود کند.

## اقدام نهایی در شیلی

کودتا در شیلی آخرین اقدام وحشیانه‌ی مبارزه‌ی طبقه‌ی حاکم بود که به شکست گسترده‌ی طبقه‌ی کارگر منجر شد. پاسخ غالب چپ‌ها در سراسر جهان این بود که روند ایجاد سوسیالیسم پارلمانتاریستی توسط آینده بسیار سریع بوده است. اما در حقیقت تزلزل و حملات او به طبقه‌ی کارگر منجر به شکست شد.

17 سال طول کشید تا این‌که رهبر کودتا ژنرال آگستو پینوشه از قدرت کنار گذاشته شود – اما نئولیبرالیسم خشونت‌باری که او به مرحله‌ی اجرا درآورده بود، نخست در پائیز سال گذشته توسط جنبش توده‌ای آن واقعاً به چالش کشیده شد.

آموزه‌های شیلی متعلق به جنبش ما هستند – و از پایان یک آرمان‌شهری استنتاج می‌شوند: مبارزه برای قدرت که متکی بر سازمان مستقل طبقه‌ی کارگر نیست و فاقد هرگونه استراتژی برای انقیاد دولت است، نمی‌تواند پیروز شود.

منبع:

<https://www.marx21.de/chile-1970-1973-das-ende-einer-illusion/>